

به طبیب بروم. یکی از عکاس‌ها که ما به اکثون در خارج از کشور است زودتر از ما به فردگاه رفت و حاضری غم آنکه قرار بود با هم به محل حادثه برویم، خودش رفت و حتی بلیت من را هم گرفت و سوار هواپیما شد. من به سرعت مسیر یزد را جابگیران کردم. پیش از ۲۷ نفر عکاس و خبرنگار دیگر هواپیما نشستیم و دو ساعت به بشمار فرک کردم چگونه از این تیم جدا بشوم زیرا دو موضوع وجود داشت، اول اینکه با وجود این همه عکاس زاویه تمرکز من از آنچه یکسان می شد و دوم آنکه می‌توان بود پلیس‌ها جلوی ما را بگیرد. با میهماندار هماهنگ کردم و جلوی هواپیما نشستیم؛ پس از فرود نیز به سرعت خودم را به یک ماشین رساندم و به راننده گفتم که از هر راه فرعی که می‌توانی برو و مرا به طبیب برسان. وقتی عکسبرداری ما تمام شد از عکاسی را دیدم که بلیت هواپیما می‌را برداشته بود و گفتم پاسخ کار تو را در تهران خواهم داد! در بازگشت نیز به گونه‌ای به‌نامهریزی کردم که در نهایت و پس از طی شدن اتفاقاتی عجیب به تهران رسیدم و توانستم عکس‌ها را زودتر مخابره کنم. این را هم بخورم این زمان تنه عکاس عکس‌گزار می‌گویی بودم که می‌توانست عکس مخابره کند و عکاسان دیگر باید عکس خود را پوست می‌کردند. همچنین افرادی که به یزد از هواپیما بودند به محل پلیس‌ها می‌رفتند و نتوانستند به ساقط هواپیما‌ها بروند»

هنوز هم باعکس‌هایم زندگی می‌کنم
از روزهای جنگ و انقلاب بیش از چهار دهه می‌گذرد، برای محمد صیاد اما زمان چندانی نگذشته! «هنر قدیم» زمان بگذرد و این رویدادها به‌ظاهر برای دیگران عادی شود اما تأثیرش را بر من می‌گذارد. هنوز هم انقلاب را در ذهنم مرور می‌کنم؛ من تنها انقلاب بلکته، جنگ کدهایی که صدام آورده، رزله، سیل و... اینها اصلاً برابرم فرواش شدنی نیست چون همچنان با آنها زندگی می‌کنم. من نه‌ای‌و یک سال با عکس‌هایی که در این نمایشگاه می‌بینید زندگی کردم. بهترین خاطره ما نیز با همین مردم در خوزستان و جبهه غرب بوده است. من هشت سال با این مردم زندگی کردم و حتی سیبجی‌ها و نظامی‌ها نیز مرا به‌نوع عکاس پذیرفته بودند. برای همین نیز کارم در جنگ را یونانی و وظیفه می‌نامند.»

سپس ادامه می‌دهد: «برای من به‌نظر می‌آید که عکاس مستقل دسترسی به مناطق با سختی‌هایی همراه بود و حتی پیش از آنکه من متلاک می‌گروهم، معرفی‌های استاد جنگ را نیز قبول نداشت. البته در عملیات‌ها هیچ‌کس را راه نمی‌دادند و فقط عکاس‌های معینی حضور داشتند و تردد در مناطق برای عکاسان رسانه‌ای رسمی با سهولت بسیار بیشتری صورت می‌گرفت.»

■ عکاس فقط نظاره گر نیست

بسیاری از ما در تصاویر جنگ سراسرائی را دیده‌ایم که اسیر شدند؛ آن سراسرائی که پشت دوربین ایستاده و آن را ثبت می‌کند چیست؟ شاید فکر کنیم که نقشی بی‌تفاوت را در این میانه بر عهده دارد، «بگذار از خطراره برایت بگویم که منجر به صدور رأی با نفع برای دودگاه‌ها شد.» اما موضوع چه بود؟ «آلمانی‌ها فیلمی ساخته بودند و در آن اینگونه انعکاس داده بودند که ایرانی‌ها سراسرائی می‌کنند و ما ماشین می‌بینند و در عراقی را می‌کشند. وزارت خارجه می‌گوید شرفی بود که در این فیلم از او نام برده شده در یادگان حشمتیه است و در یکی از مکس هانی که من گرفته بودم حضور داشت. من رفتم می‌دانم اسیر عراقی را در حشمتیه شناسایی کردم و متعجب شد که این آدم زنده سالم است. در نتیجه دادگاه لاهه صدام را محکوم کرد و ساسانی که آن فیلم را ساخته بودم که پرداخت خسارت محکوم شدند.» او تأکید می‌کند: «آقایان می‌دانند که من بیمه نیستم و بازتسنجی ندارم این همهان داستان شاز و دوربین است که باید با استقلال زد و با وجود تمام سختی‌ها برای وطنم این وقت را گذاشتم و آن فرد را پیدا کردم.»

■ اهمیت سرعت در عصر غیر دیجیتال

مردم رساندن عکس از دیگرس
موازم می‌باشد که صیاد به آن
اشاره می‌کنند: «در جنگ هواپیمای پس از
عکسبرداری از منطقه به هواپیمای ششمین
و سپس از طریق هواپیمای ماشین به تهران
می‌آمد. در تهران عکس‌ها را ظاهر و
مخایره می‌کردم و دوباره با پرواز یا زمینی
به هواپیمای می‌گشتم.» او از وجود رقابت
در میان عکاسان نیز می‌گوید و روایت در
این مورد را مشخص به وقایع طبس ارجاع
می‌دهد «وقتی خبر سقوط هواپیماهای
امریکایی در طبس رسید، از طریق یک آشنا
دولت برای پرواز مشهد گرفتن افت آشنا

شود. اصلاً مهم نبود که آن طرفی‌ها چه شایعاتی را پراکنند. من می‌دانستم که برای عکاسی که می‌خواستم بخیر می‌باشد، باید توسط شخصیت عکاسی فشرده می‌خیزم. من می‌دانستم که برای عکاسی که می‌خواستم بخیر می‌باشد، باید توسط شخصیت عکاسی فشرده می‌خیزم. من می‌دانستم که برای عکاسی که می‌خواستم بخیر می‌باشد، باید توسط شخصیت عکاسی فشرده می‌خیزم.

■ عکس‌ها چطور مخایره می‌شد؟

روم‌هایی که خبری از ارتباطات دیجیتال امروزی نبود چگونه مغایره می‌شد؟ «دستگاهی وجود داشت فزاینده‌تر از فکس که عکس را داخلش قرار می‌دادم و چیزی شبیه به توپ روی آن حرکت می‌کرد. برای هر عکس و براساس نوشته‌های موجود روی آن یک ربع تا سیست دقیقه طول می‌کشید تا چاپگر می‌سوزنی در سویی دیگر آنها را چاپ کند. گاهی نیز در میانه کار ارتباط تلفنی قطع می‌گشت و شکل فرایند باید از نو صورت می‌گرفت.» البته با ادامه توضیحات می‌توان فهمید که دست‌رسی به این دستگاه چندان هم راحت نبوده است؛ «استاد تبلیغات جنگ به خبرگزاری‌های خارجی تأکید کرده بود که عکس‌ها را از ما بگیرند. آن‌ها خبرگزاری‌های آن طرفی استفاده نمی‌کردند و اصرار داشتند که از عکس گرفته شده توسط عکاس خودشان استفاده کنند. در نتیجه من به عنوان عکاس خبرگزاری AP سال‌های سال عکس‌ها را یکی طریق دیگر اما مخایه کردم، آنها عکس را یکی می‌کردند و سپس اجازه ارسال داده می‌شد. این روند ادامه داشت تا اینکه یک بنده مخایه در ارشاد داد و گفت از طریق اینجا خبردار کنید و بعدتر نیز دستگاه مخایره را به دفتر خودم در هتل لاله بردم.»

شرایط برای همه یکسان نبود

صیاد به تعداد محدود عکاسان و خبرنگاران در جنگ، لزوم دریافت تأییدیه اشاره می‌کند و این را همه اضافه می‌کند که در عملیات‌ها عکاس و خبرنگار را راه نمی‌دادند. او می‌گوید عکاسان رسانه‌های رسمی توانستند راحت‌تر با امکانات بیشتر به منطقه بروند «من و امثال من با امکانات شخصی خودمان می‌رفتیم. البته من معتقدم عکاس نباید در میدان محافظت شود مگر من از آن سببایی که در میدان جنگ حاضر بود و داوطلبانه روی زمین می‌رفت بالاتر هستم»؛ او

گزارشی از گفت و گو با محمد صیاد صبور که با دوربینش وقایع بسیاری را ثبت کرده است

جنگ به روایت چشم های عکاس

هفتاد و سه ساله است و متولد بندرانزلی، در عکاسی پادویی کرده و سپس به کار مشغول شده است. پس از یاد گرفتن الفبای دوربین به دست گرفته و عکاسی را آغاز کرده سال ۱۳۹۶ و باروزنامه آیندگان - بعدتر با شروع تجمعات مردم پرداخته و پس از پیروزی رویدادهای بسیاری مشغول شده است. از روزمان جنگ عکاس خبرگزاری AP بوده در ونسنتیم که گزارش آن را در ادامه می خوانید.

صحنه حضور داشته است. خودش این را ذات کار عکاس مطبوعاتی می‌داند و می‌گوید «عکاس مطبوعات باید خطر را به‌صورت همه جانبه حس کند و به‌دنبال آن برود؛ افرادی همچون من اگر نتوانند در شرایط خطر عکاسی کنند که دیگر عکاس

محمد صیاد ص
می گوید از جو
ظاهر سازی عک
این حرفه، خود
است. آن هم
انقلاب به عکاس



مهدی نوروز
خبرنگار

حاشیه نمایشگاه عکس‌هایش از آن ایام به گفت

■ ذات عکاسی مطبوعاتی آمیخته با خطر است

بحث را از حضورش در میان اعتراضات مردمی منتهی به انقلاب و سپس جبهه‌های جنگ آغاز می‌کنم؛ از اینکه با وجود همه خطرات همپای افراد در

محمد حنیف داستان نویس و پژوهشگر ادبیات داستانی در گفت و گوبا «ایران»:

نشر دفاع مقدس، کارنامه ای پر بار و پر افتخار دارد

عملی سرشار از اتفاقات و حوادث تأثیر گذار و
ریخ کشورمان است که جنبه‌های مختلف
آن را به‌طور تأثیرگذار قرار داده است. این جنگ
مردم ایران ارزش‌های بسیاری آفرید و دفاع
در چاکه نماد دفاع مردم ایران از آرمان‌ها و
خفاقیایی و شرف ملی بود. ویژگی‌های این
جنگی را خلق کرده که خاص بود. آنقدر خاص که
ارادته باشد که از این نقطه در جوهه آن را
ویرساند، حمله را زانو زنده‌ها را زبوند
و سپیدگان چه آن که خود به عنوان زرمعد
بیهوده حضور نداشتند، اما با قلم و هنر خود
کسانی بودند که با خلق آثار، درخرو، نهال
ند. نویسندگانی که اکنون در مرز پیشگستان
ده و پوهشگر ادبی از جمله این نویسندگان
مردم ایران برخی از آنها برنده جایزه بهترین
است بر موضوع آسیب شناسی ادبیات دفاع
می گوید: «هرچه ابعاد جنگ ما گسترده تر شد
و بی و فرهنگی آثار ما هر بر برگ تر شد و هرچه
فرینش‌ها افزوده شد.» با این داستان نویس
نثر کتاب‌هایی با موضوع جنگ تحمیلی

جنگ تحمیل
البته پرداخته
زندگی مردم
به دلیل دفاع
مقدس ناامید
حراست از
جنگ به مهر

[illegible]

است که آنها چنین نبودند. آثاری همانند «زمین سوخته» نوشته احمد محمود که به‌عنوان اولین رمان جنگ اثر در خوری

و این باب ویژگی بود. ادبیات جنگ به مرور
 که زندگی به سمت آرامش، پیشرفت،
 تقاضای سازندگی و شاعرانگی به روح
 زمانه دردهای بعد از آشک می‌دادت و
 تفاوت پیدا کرد. مثلاً روایت عشق‌هایی
 که در سال‌های اول جنگ در کتاب‌ها بود
 معمولاً درباره عشق‌های آسمانی بود. اما
 کم‌کم روایت‌ها به سمت عشق‌های زمینی
 رفت، کم‌کم صداهای تبدیل به چند صدایی
 و چند لایه‌ای شد و به مرور در کارهای
 دیگری بخصوص آثار قاسمعلی فرست،
 محمدرضا براور، مجید قیصری و... آن
 لایه‌های پنهان عارض‌های جنگ نشان داده
 شد. همچنین هرچه از پایان جنگ فاصله
 گرفتیم داستان‌ها از نظر عناصر تغییراتی
 داشتند. این تغییرات را بخصوص در آثار
 نوجوانان شاهد هستیم که از واقع‌گرایی
 به سمت داستان‌هایی فانتزی می‌رویم که
 به سمت موضوع در بسیاری از آثار اتفاق افتاد.

در چهلمین سالگرد آغاز جنگ تحمیلی، رفیق و عملکرد تولید و نشر کتاب حوزه دفاع مقدس را چطور ارزیابی می‌کنید؟

جنگ و دفاع مقدس مثل دیگر گونه‌های «ادبیان نویسی» تابع شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است. از این رو نوع نوشتن و نگاه نویسندگان در دوره جنگ با دوره بعد از آن متفاوت است. ما هرچه با جنگ فاصله گرفتیم نوع قلم نویسدگان در دوره جنگ تحمیلی تأثیر مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی قرار گرفته و متفاوت با دوره جنگ شد. در سال‌های جنگ تحمیلی آثار قابل توجهی انتشار یافت که بعد از جنگ نیزایز روند با نوساناتی روبه رو شد. استعدای آن جنگ البته یک دور با حجم زیاد آثار رویه‌رو شدیم که مضمون درون مایه اکثر آنها حماسه سرایی و شعار برای نشان دادن حوادث جنگ بود. نویسندگان آن بیش از آنکه در پی نشان دادن مشکلات جنگ باشند به حماسه و شاعرگونه التفات داشتند. با وجود این در دوره آثار قابل توجهی هم تولید شده

در یک نگاه کلی می‌بینیم که آثار تولید شده ابتدا دارای سادگی و تکرار هستند اما هر چه به جلو می‌آییم کانون روایت و همچنین زاویه دید در آثار نویسندگان متنوع می‌شود. تمایلی به یونان خطی در سال‌های اولیه جنگ به مرور سال‌های بعد از جنگ تبدیل به استفاده از زبان‌های فردی و پیچیده‌تری می‌شود. زبان ساده جاشیا را به بند می‌دهد. «مردان قاطری که داوود امیریان، «پچه‌های کارون» احمد دهقان، «گیل» محسن مطلق، آثاری هستند که زبان طنز را در ادبیات جنگ به کار برده‌اند. همچنین شخصیت‌ها به داستان‌ها آرام آرام از وجه سیاه و سفید به سمت خاکستری می‌روند، این ویژگی به طور ویژه در کتاب «هرس» نسیم مرعشی دیده می‌شود و ما در این اثر، تنهایی از هویت یا رز که زن شرک چارلزان می‌شود کاملاً مشاهده می‌کنیم. مقایسه هویت شخصیت‌های رمان «زمین سوخته» با داستان‌های «سرود مردان آفتاب» یا «قلم‌رازش عیدان» «شرطنج با ماشین قیامت» حبیب احمدزاده، «نشانه‌های صبح» ابراهیم حسن‌بیگی و حتی «پل معلق» محمدرضا پارامی، نشان می‌دهد که نوع تفاوتی از نظر هویت شخصیت‌ها میان نمونه‌های فوق وجود دارد و چگونه هر یک از داستان‌ها می‌توانند با توجه به عناصر در طیف‌های مختلف داستان جنگ قرار بگیرند. مهم اینها خلاصه‌ای از تغییرات مضمون و درونمایه ادبیات جنگ و پایداری از ابتدا تا حال است.

و نشر ادبیات پایداری می‌دهد؟
 او باید به نکته‌ای اشاره کند؛ ما در حوزه تولید و نشر آثار دفاع مقدس بیش‌تر شاهد بودیم که فقط ناشرانی چاپ کتاب‌های این حوزه را انجام می‌دادند که دولتی یا نیمه دولتی بودند یا از سوی نهادهای حمایتی می‌شدند. اما در یک دهه اخیر ما شاهد هستیم بسیاری از ناشران به‌طور مستقل و خصوصی و قوی‌تر این عرصه شدند. به همین دلیل اگر از نظر کمی بخواهیم حساب کنیم به‌نظم

می‌آید که به نسبت سال‌های گذشته گرایش به نوشتن از جنگ آرام‌آرام کاهش پیدا کرده است. اما راجع به جنگ همچنان آثاری تولید می‌شود. این حال به نظر من از نظر کمیت، تعداد آثار مناسب و نمره نشر آثار در این حوزه قابل قبول است. از نظر محتوای آثار هم باید بگویم همین برجسته‌ترین فکتر شده کم نداریم، به آثاری دلیل من می‌کنم اگر بخواهیم به نویسندگان جنگ و وقایع سده نهمه به‌دیهیم باید به برخی نمره بسیار خوبی دهیم. از میان نویسندگان قدیمی‌تر علی‌اصغر شیرزادی و در سال‌های اخیر (محمد اسماعیل حاجی علیان)



جزو نویسندگان هستند که در حوزه دفاع مقدس ثمره بسیار خوبی می‌گیرند. در کل می‌توانم بگویم که ادبیات محلی و اقلیمی بسیار ارزش پیدا کرده اما ادبیات بازاری و عامه‌پسند رشد داشته است. رشد ادبیات داستانی جنگ به اندازه ادبیات بازاری است و با توجه به محدودیت‌هایی که از نظر پژوهشی و مسائل دیگر در این حوزه وجود دارد به نظر من روند، روند رو به رشدی بوده است.

اولین نویسندگانی که در این حوزه دست به قلم شدند و رمان و داستان نوشتند چه کسانی بودند و کدام آثار بود؟

اولین شعر یا داستان واره جنگ را میناق امیر فجر نوشت. همچنین قاضی ریبحاوی سال ۵۹ و در اولین ماه های آغاز جنگ تخمیلی اولین داستان کوتاه درباره جنگ را با عنوان «شبی که دود جنگ در آسمان

آمار کتاب‌های منتشر شده		
با موضوع جنگ «ایران و عراق» دفاع مقدس شه‌ریور ۱۳۵۹-آذر ۱۳۹۸		
موضوع	تعداد	درصد نسبت به کل کتاب‌های منتشر شده
شعر	۱۵۴۴	۸/۵۴
ادبیات نمایشی	۳۶۲	۲/۰۰
داستان	۱۵۶۹	۸/۶۸
نثر ادبی	۱۵۵	۰/۸۶
خاطرات	۲۵۸۸	۱۴/۳۱
وصیت نامه‌ها	۳۷۹	۲/۱۰
زندگینامه‌ها	۵۱۹۱	۲۸/۷۰
گزارش‌ها	۷۸	۰/۴۳
نامه‌ها	۳۷	۰/۲۰
(کتاب های مرجع)	۴۶۵	۲/۵۷
پژوهش‌های علوم	۱۳۵	۰/۷۵
پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی	۶۴۳	۳/۵۶
پژوهش‌های تاریخی	۱۱۶۳	۶/۴۳
پژوهش‌های هنری	۱۱۰	۰/۶۱
پژوهش‌های ادبی	۲۹۹	۱/۶۵
پژوهش‌های مستندنگاری	۴۱	۰/۲۳
سایر پژوهش‌ها	۵۳۴	۲/۹۵
هنرهای تجسمی	۲۵۰	۱/۳۸
کودک و نوجوان (شعر-ادبیات نمایشی-داستان-خاطرات-مرجع نامه‌ها-زندگینامه‌ها-نامه‌ها وصیت نامه‌ها-نثر و جنگ و سایر آثار)	۱۹۲۲	۱۱/۴۳
جمع کل	۱۷۷۰۸	۱/۰۰

در جدول فوق آمار کتاب‌های منتشر شده با موضوع «جنگ ایران و عراق»
یادفاد مقدس در بازه زمانی شهریور ۱۳۵۹ تا آذر ۱۳۹۸ آورده شده است.

این آمار با همکاری کتابخانه تخصصی جنگ حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی جمع‌آوری شده است. همچنین شایان ذکر است در آمار فوق کتاب‌های موضوع «کردستان»، که تعداد آنها در این کتابخانه ۲۵۷ عنوان است، به حساب نیامده‌اند.

دهکده دیده شد» نوشت. اسماعیل فصیح با «زمستان ۱۶۲۰ و «ژنرال در اغماء، محسن مخملباف با «باغ بلور»، تقی مدرسی با «آداب زیارت»، غلامرضا عیوبان با «خانه سفید»، غلامرضا عیوبان با «سرود مردان افتاب»، جواد مجابی با «شب ملخ»، ابراهیم حسن بیگی با «ریشه در اعماق»، حسن یزدانی عامری با «گنجشک‌ها بهشت خرم می‌فیمند»، مهدی سخایی با «تاهاگان سیلاب»، علیرضا شیرزادی با «هلال نپهان» و... جزو نویسندگانی بودند که موفق شدند اولین آثار برجسته جنگ و دفاع مقدس را بنویسند.

با توجه به اینکه آثار برجسته‌ای در این حوزه منتشر شده که ظرفیت ترجمه را داشته‌اند، چرا کمتر شاهد آثار ترجمه شده با موضوع دفاع مقدس هستیم؟

متأسفانه مسئولان و متولیان فرهنگی در زمینه ترجمه نه تنها ترجمه آثار دفاع مقدس بلکه در حوزه‌های دیگر خیلی کم کار می‌کنند. چون نگاه درستی به این عرصه وجود ندارند. به عنوان یک نویسنده که آثارم در جشنواره‌های مختلف برگزیده شده انتظار دارم مسئولان همان‌طور که در دوره‌های مختلف جشنواره‌های ادبی قول می‌دهند، از ترجمه آثار برگزیده و برجسته حمایت کنند. اما متأسفانه این‌ها انجام نشده و نمی‌شود. موضوع دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که چون حوزه‌های حوزه پولسازی نیست، آخرین اطلاعات مربوط به این حوزه خیلی دیر به کشور ما می‌رسد. در صورتی که اطلاعات و اخبار نرم‌افزاری کامپیوتری و موبایل خیلی زود اطلاع‌رسانی و وارد بازار می‌شود، چون پول ساز است. ما همیشه برای آثارم در جشنواره‌های ادبی که نظر محتوای می‌تواند جریان برساند، عقب هستیم. مگر در موارد خاص مثل آثاری که جایزه نوبل می‌گیرند. مشکل دیگر انعکاس پیدا نکردن اخبار جشنواره‌های ادبی در رسانه‌های غیر ایرانی است که این وظیفه مسئولان فرهنگی ما در کنسروهای دیگر است که تاکنون چندان به آن پرداخته نشده است.